

سبک‌شناسی لایه‌ای گویه‌های یدالله امینی (بررسی لایه‌های واژگانی، آوایی، نحوی، بلاغی – ادبی)

سلبی‌ناز، فرهاد کاکهرش*، شمسی‌علیاری

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

سال هجدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۴، صص ۲۵۷-۲۳۱
<https://irandoi.ir/doi/10.iran.2002/bahareadab.2025.18.7937>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: سبک‌شناسی لایه‌ای، یکی از روش‌های نوین تحلیل متون ادبی، با تمرکز بر سطوح مختلف زبانی (واژگانی، آوایی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک) امکان کشف ویژگی‌های سبکی منحصربه‌فرد آثار را فراهم می‌کند. پژوهش حاضر با هدف واکاوی سبک شخصی یدالله امینی در گویه‌هایش، به بررسی شاخصه‌های سبکی او در لایه‌های واژگانی، آوایی، نحوی و بلاغی می‌پردازد و همچنین مؤلفه‌های تصویرپردازی و کاربرد آرایه‌های ادبی در لایه بلاغی زبان او تحلیل می‌شود. **روش مطالعه:** روش تحقیق در این مقاله، توصیفی – تحلیلی با رویکرد کیفی – کمی و مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داده است در لایه واژگانی، کاربرد واژگان عینی و شکوهمند با ساختارهای رمزگان‌دار از مهمترین ویژگی‌های سبکی امینی است. در لایه آوایی، انتخاب آگاهانه آواها علاوه بر ایجاد موسیقی درونی، در انتقال مفاهیم نقش دارد. در لایه نحوی، جابجایی نهاد و فعل و ترکیب جملات ساده و مرکب، سبکی پویا و یکپارچه پدید آورده و غلبه وجه اخباری و بسامد قیده‌های زمان و حالت بر آن آشکار است. در لایه بلاغی نیز امینی با بهره‌گیری از استعاره و ترکیب‌های تازه، تخیل شاعرانه را چاشنی زبان روزمره کرده است؛ به گونه‌ای که استعاره برجسته‌ترین نقش را در ساختار بلاغی گویه‌های او ایفا می‌کند.

نتیجه: سبک‌شناسی لایه‌ای نشان داد که زبان امینی ساختاری منسجم، چندلایه و آگاهانه دارد که بازتاب جهان‌بینی خاص و اندیشه‌ورزی شاعرانه اوست و سبک بلاغی امینی نیز انعکاسی از ذهن خلاق، زبان تصویری و نگاه عمیق او به مفاهیم انسانی و اجتماعی است که از طریق گویه‌های کوتاه اما پرمفهوم، جلوه‌گر می‌شود و تحلیل آماری به کارگیری این آرایه‌ها نیز حاکی از آن است که «استعاره» برجسته‌ترین نقش را در ساختار بلاغی گویه‌های او برعهده دارد.

تاریخ دریافت: ۰۶ خرداد ۱۴۰۴
تاریخ داوری: ۰۷ تیر ۱۴۰۴
تاریخ اصلاح: ۲۲ تیر ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۰۵ شهریور ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

یدالله امینی، سبک‌شناسی لایه‌ای،
واژگانی، آوایی، نحوی، بلاغی، ادبی

* نویسنده مسئول:

✉ farhadkakerash@iau.ac.ir
☎ ۴۲۳۳۳۰۰۰ (۰۹۸ ۴۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Layered Stylistics of Yadollah Amini's Utterances
(An Analysis of Lexical, Phonological, Syntactic, and Rhetorical-Literary Layers)

S. F. Kakehrash*, Sh. Alyari

Department of Persian Language and Literature, Mah.C., Islamic Azad University, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 27 May 2025

Reviewed: 28 June 2025

Revised: 13 July 2025

Accepted: 27 August 2025

KEYWORDS

Layered Stylistics, Lexical, Literary,
Phonological, Rhetorical, Syntactic,
Yadollah Amini

*Corresponding Author

✉ farhadkakerash@iaiu.ac.ir

☎ (+98 44) 42333000

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Layered stylistics, a modern method for analyzing literary texts, allows for the discovery of a work's unique stylistic features by focusing on different linguistic levels (lexical, phonetic, syntactic, rhetorical, and ideological). This study aims to analyze Yadollah Amini's personal style in his sayings by examining his stylistic indicators at the lexical, phonetic, syntactic, and rhetorical layers. Additionally, it analyzes the components of imagery and the use of literary devices in the rhetorical layer of his language.

METHODOLOGY: The research method in this article is descriptive-analytical with a qualitative-quantitative approach, based on library research.

FINDINGS: The findings show that at the lexical layer, the use of concrete and magnificent words with coded structures is one of Amini's most important stylistic features. At the phonetic layer, the conscious selection of sounds, in addition to creating internal music, plays a role in conveying concepts. At the syntactic layer, the inversion of subject and verb and the combination of simple and complex sentences have created a dynamic and integrated style, dominated by the indicative mood and the frequency of adverbs of time and manner. In the rhetorical layer, Amini spices everyday language with poetic imagination by using metaphors and novel combinations, to the extent that metaphor plays the most prominent role in the rhetorical structure of his sayings.

CONCLUSION: Layered stylistics revealed that Amini's language has a cohesive, multi-layered, and conscious structure, which reflects his unique worldview and poetic contemplation. Furthermore, Amini's rhetorical style is a reflection of his creative mind, visual language, and profound perspective on human and social concepts, which are manifested through his short but meaningful sayings. The statistical analysis of the use of these devices also indicates that metaphor plays the most prominent role in the rhetorical structure of his sayings.

<https://irandoi.ir/iran.2002/bahareadab.2025.18.7937>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 38	 9	 10

مقدمه:

در تعریف سبک‌شناسی آمده است: «به یک اثر ادبی که وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا میکند و آن نیز متأثر از طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره حقیقت است» (بهار، ۱۳۷۳، ص ۱۸)؛ «کار اساسی سبک‌شناسی بررسی نوع گزینشها و علت ترجیح یکی از گزینه‌ها بر دیگران است» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۳۹). مطالعات سبک‌شناسی بر بنیاد واکاوی عناصر ساختاری و معنایی‌ای استوار است که بر کلیت متن سلطه دارند ارسطو «در فن سخنوری بر این عقیده است که هر نوشته یا گفته‌ای چه خوب و چه بد دارای سبک است» (داد، ۱۳۸۰، ص ۲۸)؛ بر این اساس «تفکیک این لایه‌های زبان برای مطالعات سطوح زبانی سبک، بسیار کارآمد است» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۹).

در سبک‌شناسی لایه‌ای «بهترین موارد شناخته شده در مطالعاتی که درباره ایدئولوژی و زبان صورت میگیرد، تحلیل واژگان است» (ون‌دایک، ۱۳۸۶، ص ۹۳). «لایه واژگانی به بررسی کوچکترین واحدهای معنادار زبان، ساختمان واژه و شیوه ساخت واژگان، دالها و نشانه‌ها و... میپردازد» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۸). امینی اولین شاعر گویه سرا در ایران است که این قالب را به روش خود به تکامل رسانده است. «گویه» یا شعر «گفتاری» از جمله آثار ادبی فراموش شده در ادبیات معاصر است که از جهت تحولات فکری و سیاسی، موضوعات و مضامین مختلف، شناسایی نقاط قوت و ضعف، حساسیت و وسواسهای فردی شاعر در بستر سیاسی و اجتماعی خاصی شکل گرفته و میتواند این مجال را به مخاطب امروز بدهد که با فراز و فرودهای دنیای شاعر و روزگاری که در آن زیست میکرده؛ آشنا کند و نیز پرداختن به این ویژگیها و تأثیر کار شاعر از یک طرف و روشنگری برای شاعران معاصر در کسب نوآوریهای ادبی از سوی دیگر جنبه‌های گوناگون سبک هنری گویه‌های مفتون را برای مخاطب امروز فراهم میسازد.

جامعه آماری در این بررسی، گویه‌های پنج کتاب یدالله امینی با عنوان «اکنونهای دور»، «عصرانه در باغ رصدخانه»، «از پرسه خیال در اطراف وقت سبز»، «من و خزان و تو»، جشن واژه‌ها و حسها و حالها» میباشد. در دو دهه اخیر گویه‌های یدالله امینی که یکی از انواع شعر سپید است با استقبال بی‌نظیر همراهان شعر و ادب همراه شد که از نمونه اکمل آن میتوان به گویه هشتم نخست از مجموعه «عصرانه در باغ رصدخانه»، «اکنونهای دور» و «من و خزان و تو» اشاره کرد.

این مقاله تلاش میکند با بهره‌گیری از روش لایه‌ای، گویه‌های مفتون را در سه بُعد «واژگانی»، «آوایی»، «نحوی» و «بلاغی» تحلیل و ارزیابی کند و همچنین به دنبال پاسخ این پرسش است که تعامل میان این لایه‌ها چگونه میتواند نوع بینش و ایدئولوژی شاعر را منتقل کند. روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی، با رویکردی کیفی - کمی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است.

پیشینه تحقیق:

با نگاهی به پیشینه تحقیق، میتوان نتیجه گرفت که در مورد موضوع تحقیق تاکنون رساله یا مقاله‌ای با این عنوان به صورت مستقل نوشته نشده است. مقالات و مصاحبه‌ها و رساله‌های نگاشته شده عبارتند از: کتاب «گفتگو با مفتون امینی» (۱۴۰۱) مهدی ساوجی، کتاب «وسواس همیشگی شعر» (۱۴۰۳) سینا عباسی، مقاله «نگاره‌های رنگارنگ عرفان در شعر یدالله امینی» یوسف عالی‌عباس‌آباد، مقاله «بررسی زیبایی‌شناختی شعر امینی» نجیبه هنرور، مقاله «کنکاشی در پوشیده‌گوییهای مفتون امینی به عنوان یکی از مختصات سبکی» علی صمدزاده، مقاله

«پوشیده‌گویی هنری در شعر امینی» فرهاد فلاحت‌خواه، مقاله بررسی زیبایی‌شناختی شعر مفتون امینی» نجیبه هنروز، مقاله «نشریه مؤلفه‌های شعر مفتون امینی» عباس باقی‌نژاد، مقاله «کنفرانس بررسی تصویر در اشعار مفتون امینی» سیده حمیرا نیک‌بخت، رقیه اصغری، مقاله «کنفرانس بررسی مضامین اجتماعی درد و مجموعه کولاک و فصل پنهان مفتون امینی» ربابه داهیم، رویا مقصد حق، مقاله «کنفرانس تحلیل محتوای مسایل سیاسی در دو مجموعه شعری امینی» ربابه داهیم، زهره حمزه‌لو، روزیتا مصطفی‌پور، رویا مقصدحق، پایان‌نامه «بررسی سبک‌شناختی گزیده‌ای از اشعار امینی» با راهنمایی نعمت‌الله ایران‌زاده و مشاوره شیرزاد طایفی نیز به همین منوال است. با تفحص در پیشینه تحقیق آشکار شد که گویه‌های امینی به‌طور جامع و کامل با تمرکز بر لایه واژگانی، آوایی، نحوی و بلاغی تحلیل سبک‌شناسی نشده و نیاز به انجام این پژوهش کاملاً احساس می‌شود.

سبک:

افلاطون در تعریف سبک می‌گوید: «سبک کیفیت و امتیازی است که گوینده‌ای به جهت الگوی مناسب و شایسته کلام خود از آن برخوردار است به تعریف ارسطو در فن شعر یا بوطیقا سبک خاصیت ذاتی کلام است» (داد، ۱۳۸۰، صص ۱۶۵-۱۶۴).

«در این که سبک چگونه احساس می‌شود و مایه تکوین سبک چیست، بحث‌های مفصل متعددی را میتوان مطرح کرد ساده‌ترین و روشن‌ترین جواب این است که نوشته هر چه بیشتر نسبت به زبان معیار و معتاد شنونده یا خواننده افتراق داشته باشد با خود احساسی از سبک را منتقل می‌کند» (شمیسا، ۱۳۹۳، ص ۳۲۸).

سبک‌شناسی لایه‌ای:

سبک‌شناسی لایه‌ای با تکیه بر مبانی زبان‌شناسی، ساختار سبکی متن را از طریق بررسی سطوح گوناگون زبانی تحلیل می‌کند. این سطوح عبارتند از: «آوایی، لایه واژگانی، لایه نحوی، لایه بلاغی، لایه ایدئولوژیک و بافتی. در هر لایه نخست متغیرهای برجسته‌ساز و شکل و نقش آنها معرفی می‌شوند؛ سپس تأثیرات زیبایی‌شناسی و نقش ایدئولوژیک عناصر مربوط به هر لایه را تبیین می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۱).

- لایه آوایی

لایه آوایی عبارت است از بررسی آواهای زبان آنگونه که در گفتار تولید و ادراک می‌شوند. تغییرات آوایی به برونه زبان متعلق‌اند اما بر ساختارهای معنایی نیز تأثیر می‌گذارند. این تغییرات ناشی از عوامل مختلف تاریخی، جغرافیایی، جنسیتی و فیزیولوژیک اندامهای آوایی است (همان، ص ۲۴۸).

- لایه واژگانی

چگونگی گزینش و کاربرد واژگان، یکی از اساسی‌ترین شاخصه‌های تمایز سبک‌های ادبی است که بازتاب‌دهنده ساختار فکری و زیباشناسی نویسنده یا شاعر محسوب می‌شود. «انبوهی هر یک از طیف‌های واژگانی در متن‌های ادبی و کاربردهای زبانی، زمینه تنوع سبک‌ها را پدید می‌آورد» (همان، ص ۲۴۹).

- لایه نحوی

در لایه نحوی، به کمک دستور زبان فارسی، میتوان به اندیشه شاعر راه یافت؛ زیرا «نحو منظّم، مولود ذهن نظام‌مند است» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۲۶۷). «در این لایه، نظم واژه‌ها و جابجایی در ساختار نحوی جمله‌ها، ساده، مرکب و پیچیده بودن آنها، استقلال و تناوب جمله‌ها و نیز بررسی مقوله وجهیت، از جمله مواردی است که میتواند مورد

توجه قرار گیرد. در این میان، بررسی مؤلفه‌ی وجهیت، در فعل جملات و بندها در تعیین میزان قطعیت متن و نیز مطالعه‌ی رابطه‌ی قدرت میان گوینده و مخاطب، اهمیت ویژه‌ای دارد» (سالک، ۱۴۰۰، ص ۲۰۷).

- لایه‌ی بلاغی

در فرایند آفرینش ساختار بلاغی زبان، عوامل گوناگونی نقش‌آفرینی میکنند که در سبک‌شناسی لایه‌ای، در لایه‌ی «بلاغی» مورد تحلیل قرار میگیرند. «ادبیات و زبان یک چیزند؛ اما آن چه به زبان ادبیت میبخشد کیفیت کاربردهای بلاغی و صورتهای مجازی زبان است. سبک ادبی، مایه و جوهر خود را از صور استعاره‌ی و نظامهای موسیقایی میگیرد. لایه‌ی بلاغی سبک، زمینه‌ی اصلی تنوع بیان و تبلور فردیت و شخصی‌سازی زبان است» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۳).

- لایه‌ی واژگانی:

در رابطه با «واژه» فدایی‌وشکی میگوید: «واژه‌ها اولین و مهمترین ابزار عینی کردن و بروز عواطف و اندیشه‌های شاعرانه است (فدایی‌وشکی، ۱۴۰۱، ص ۲۱۸).

در مبحث لایه‌ی واژگانی، مؤلفه‌هایی از قبیل اشاره‌گر (شاخصهای اشخاص، مکان، زمان)، عامیانی و شکوهمندی، واژگان حسّی یا انتزاعی، کهن‌گرایی و واژه‌سازی، عموم و خصوص در واژه، رمزگان متن و ارجاع به ایدئولوژی، نشاندار و بینشان و سایر مؤلفه‌های تکرار، تضاد و ترادف مورد بررسی و ارزیابی قرار میگیرد. تحلیل و بررسی بسامدهای حاصل شده، ارتباط شاعر را با متن و مخاطب روشن میکند.

- اشاره‌گر

«اشاره‌گر از طریق بازشناسی موقعیت اجرای سخن شناخته میشود. اشاره‌گر اجتماعی، عنوان، صفت و لقبی است که به اقتضای موقعیت اجتماعی افراد انتخاب میشود» (صفوی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۲). با بررسی گویه‌های امینی، به ترتیب شاخص مکان و زمان، بسامد بیشتری در مقایسه با شاخص اشخاص دارد و شاخص مکان، بیشتر به کوچه و خیابان، باغچه، گلخانه، زمین، موزه، مزرعه، ییلاق و... اشاره دارد که نمایانگر حالات روحی شاعر در برهه‌ای از زمان زندگی وی است.

«دیده‌ام و دیده‌ای / رنگ نیم‌روزی دریا را / به همان گونه / دیده‌ام و دیده‌ام / رنگ سحرگاهی آسمان را / که هر دو چه رازناک‌اند» (امینی، ۱۳۸۵، ص ۶۲).

«تالاب سرمه‌فام / که این همه خاکستری بر آن روییده است / روزها همه ابری / دیگر گونه‌ایست / از نو یافتنی» (همان، ۱۳۸۶، ص ۴۳).

«عصر دیروز هم / که از پشت بام دیدیم / چند خیابان پر از غبار و غلغله است / از خبرگوی شب، چیزی نشنیدیم» (همان، ۱۳۹۱، ص ۶۹).

- رمزگان

مفهوم رمز در نشانه‌شناسی از اهمیت بنیادینی برخوردار است؛ زیرا «معنای نشانه به رمزی که در آن قرار گرفته بستگی دارد. رمزگان، نشانه‌ها را به نظامهای معنادار تبدیل میسازد و بدین ترتیب، باعث ایجاد رابطه میان دال و مدلول میشود» (چیدلر، ۱۹۹۷، ص ۲۲۱).

«زبان، بزرگترین و پیچیده‌ترین رمزگان است؛ زیرا همه رمزگانهای دیگر، از جمله رمزگانهای آداب، پوشاک، غذا، رفتار، اطوار و اشارات، نظامهای حرکتی و... به واسطه‌ی زبان قابل توصیف است» (سجودی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰). در آثار

منتخبی بررسی شده، بسامد رمزگان ساختاری، بیش از رمزگان فرایندی است و میتوان گفت که رمزگان ساختاری آثار مفتون، باتوجه به ایدئولوژیک حاکم در متن به ترتیب عبارت‌انداز:

الف. سیاسی - اجتماعی

رمزگانهای موجود در گویه‌های امینی طوریست که خواننده را بلافاصله، به درونمایه اشعار سیاسی و اجتماعی سوق میدهد که در وا شکافی گفتمان انتقادی نیز کمک میکند. «شعر اجتماعی باید از حس مسئولیت اجتماعی سرچشمه بگیرد و این حس مسئولیت باید واقعی و با روح و خون شاعر درآمیخته باشد و گرنه غیراصیل است و شعریست بی‌ارزش و بی‌تأثیر» (زرین کوب، ۱۳۵۸، ص ۱۲۴).

«الاهة همیشه عروس شرقی ایران! / به تو دل بسته‌ام و میدانم/ که من میروم و تو میمانی و مرا یاد میکنی ...» (همان، ۱۳۸۹، ص ۳۸).

«باری، چنین شد/ که یک کوره راه/ سه فصل/ و بشمارای از رهگذران/ روایتی از خود گذاشتند/ که شنیدن آن هیچگاهی دیگران بود/ و نوشتن آن، دیرگاهی من ...» (همان، ص ۵).

«باری/ یکی از همین بازیها به من الهام داد و چنین آموخت/ که حرف آخر رود/ حرف اول دریاست/ و نیز حرف اول تیر/ حرف آخر درخت است» (همان، ۱۳۸۵، ص ۹).

این بسامد به خاطر ارتباط وی با محافل روشنفکران تبریز به همراه دوستانش، صمدبهرنگی و بهروز دهقانی و ... میباشد که به اشعارش رنگ سیاسی بخشیده است.

ب. اخلاقی - عرفانی

امینی را باید شاعری اخلاقی و تجربه‌گرا دانست. «چنان که میدانیم هر شعر یک تجربه است و باید تمام عناصر آن بگونه‌ای مبهم در خدمت تصویر آن تجربه درآیند. اگر هر پاره‌ای از شعر مربوط به عالمی باشد، ممکن است در درون شعر تناقضی به وجود آید و یک قسمت، قسمت دیگر را نفی کند و در نتیجه شعر بی‌تأثیر بماند یا ممکن است بعضی اجزا با یکدیگر تراحم کنند. اینچنین شعری از کمال هنری برخوردار نخواهد بود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳، ص ۹۸).

«بمانم و تنها دل خود را بتکانم؟/ چشم خود را بشویم/ دستم را کوتاه کنم/ و نفس بلند نکشم/ آن وقت/ با این منی بی‌منش چه کنم؟» (امینی، ۱۳۹۱، ص ۵۲)

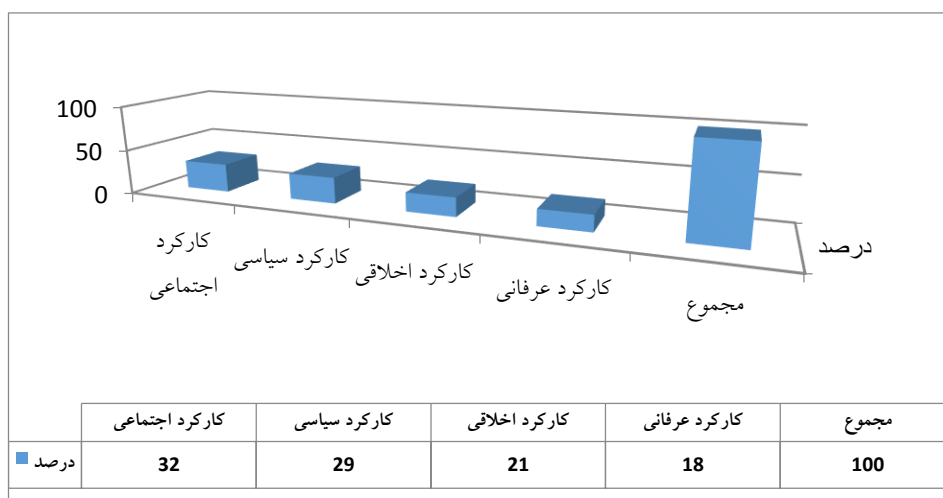
«اگر ایوان غم بیرون را داشت/ باغچه، غم درون را میخورد/ چرا که/ امسال/ درخت او در بهار، گل نکرد/ و در تابستان، برگ ریخت» (همان، ۱۳۸۳، ص ۷۸).

«با این همه، سپاس/ که بار درخت را تنها من میخورم/ و این سیب که از آن باغ بالان نیست/ خوشا/ که نه آگاهی داشته است/ نه گمراهی» (همان، ۱۳۸۹، ص ۷۶).

بسامد رمزگان اخلاقی - عرفانی در گویه‌های مفتون تحت تأثیر عوامل بیرونی چون ترس، غم، آویختگی و ... است. هر چقدر بسامد اضطراب، دلواپسی و ... در گویه‌های امینی بالا می‌رود به همان اندازه موجی از ایمان و باورهای قلبی در عمق اشعارش شدت میگیرد. با کمک عنصر رمزگان، میتوان از ورای متن به زیرمتن‌ها و ساختارهای یک اثر دست پیدا کرد و نیز پی برده که شاعر در چه فضایی زندگی میکرده و آثارش تحت تأثیر چه فضایی خلق شده است.

جدول ۱- رمزگان فرایندی در آثار مورد پژوهش

رمزگان فرایندی با کارکردی سیاسی - اجتماعی	رمزگان فرایندی با کارکردی اخلاقی، عرفانی
وطن، دریا، موج، میدان شهر، کوچ، زمستان، پاییز، سفر، رنج، بازیچه، آدم، خبر سرد و سُرَب و...	امیدواری، دعا، پاک و بلندی، آب، باغ، جوانی، کاخ امید، صمیمیت و سادگی، اشک و...



نمودار شماره ۱- درصد فراوانی رمزگان فرایندی در آثار مورد پژوهش

- واژه‌های نشاندار

«امکانات نشاندار زبان، ویژگی‌هایی دارند که با مفاهیم بنیادین سبک مانند هنجارگریزی، کیفیت‌داری و غیرعادی بودن قرابت دارد. از همین‌روست که سبک ادبی یک زبان نشاندار است. براین اساس زبان‌شناسان، واژگان را به دو دسته «بینشان» و «نشاندار» تقسیم کرده‌اند» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۲۶۶). باتوجه به گویه‌ها میتوان گفت که مفتون از واژگان «نشاندار» مدد جسته و واژگان «بینشان»، چندان محسوس نیست و سبک فردی شاعر به‌طور کامل در گویه‌هایش منعکس شده است. اندیشه فردی و رویکرد خاص او به چهار دسته واژگان سیاسی، واژگان اجتماعی، واژگاه طبیعت و واژگان عشق تقسیم میشود.

بسامد واژگانی چون، وطن، دریا، موج، میدان شهر، کوچ، زمستان، پاییز، وفا، جهل، خود، حسرت و ... اندیشه‌های غالب بر تفکر مفتون است.

«وزهی بر شیوه دلدادگان/ که از دو ناساز چه میسازند؟!» (امینی، ۱۳۹۱، ص ۷۱).

«موجهای سفید زمستان او را برده‌اند/ به کرانه‌های دورتر از غربت/ در خانه از او چراغی مانده است سرد/ در باغچه، درختی خشک/ و گوشه ایوان تور آویخته‌ای» (همان، ۱۳۸۳، ص ۸۱).

«سوال امروز تو این است/ که تخت‌خواب خود را پشت پنجره قرار دهم/ یا پای آن دو سه قفسه کتاب؟/ و عصا و پتو برقی را کجا باید گذاشت؟» (همان، ۱۳۸۵، ص ۵۸).

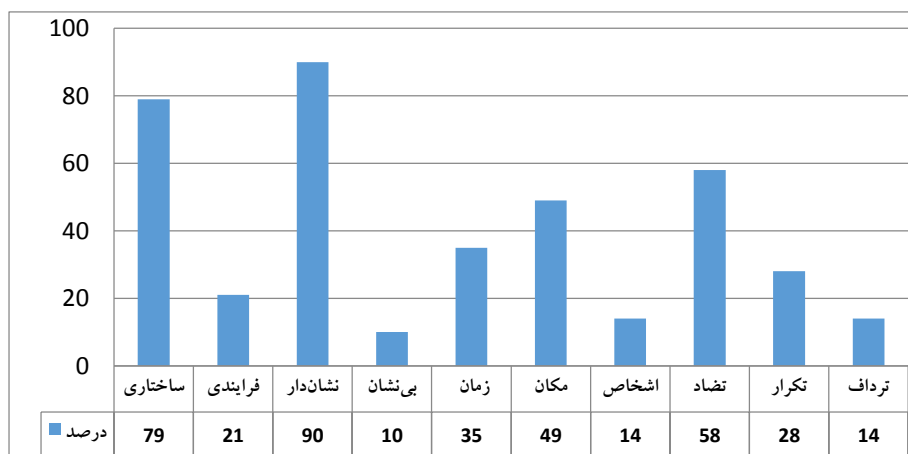
به نظر میرسد که بسامد واژه‌های نشاندار شعر او فقط در جهت التذاذ روحی مخاطب به کار نرفته است، بلکه در بستر همین واژگان، افکار و باورهای خود را به شکل هنری، تعالی بخشیده است.

- واژگان مترادف، متضاد و تکرار

فتوحی مؤلفه‌هایی چون واژگان مترادف، متضاد و عناصر تکراری را بخش جدایی‌ناپذیر سبک در متن معرفی میکند، در حالی که «برخی این مؤلفه‌ها را به منظور بررسی نحوه ارتباط نویسنده مخاطب معرفی میکنند» (درپر، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴). مطالعه مؤلفه‌های سبک‌شناسی در گویه‌های آمینی نشان میدهد که واژگان متضاد، از نظر بسامد، نسبت به واژگان مترادف و تکرار، فراوانی بیشتری دارند. این بسامد فراوان واژگان متضاد، در واقع بیانگر مفاهیم ذهنی متضاد و بازتاب باورهای شاعر در شرایط شدید خفقان دوران زندگی اوست. واژگان متضاد را میتوان در ساحت رمزگانها و شاخصها مورد بررسی و جستجو قرار داد.

جدول ۲- نظریه در واژه‌ها در آثار مورد پژوهش

رمزگان		نشان‌داری		اشاره‌گر		دیگر مؤلفه‌ها			
ساختاری	فرایندی	نشان‌دار	بی‌نشان	زمان	مکان	اشخاص	تضاد	تکرار	ترادف
۷۹	۲۱	۹۰درصد	۱۰درصد	۳۵درصد	۴۹درصد	۱۴درصد	۵۸درصد	۲۸درصد	۱۴درصد



نمودار ۲- نظریه در واژه‌ها در آثار مورد پژوهش

- واژگان حسّی و ذهنی

مفهوم واژگان حسّی و ذهنی در منابع نظری به این صورت تبیین شده است: «غلبه واژه‌های عینی (در برابر ذهنی) سبک متن، را حسّی میکند و کثرت واژه‌های ذهنی موجب انتزاعی سبک میشود» (فتوحی، ۱۳۹۱،

ص ۲۵۱). با کنکاش در گویه‌های امینی، بسامد واژگان حسّی بیش از انتزاعی ارزیابی میشود. میتوان گفت سبک واژگانی شاعر، مدلول روشنتری در ذهن مخاطب ایجاد میکند؛ از این رو کمتر با ابهام و پیچیدگی همراه است. «آتش گفت که من همه درخویش میروم/ و غایب رفتنم این است که به خاکستر و دود میرسم» (امینی، ۱۳۸۵، ص ۴۶).

«و سطرهای آخر آن وقتی زمزمه شد/ که پرده یشمگون اتاق خواب/ شعر سپید مهتاب را ترجمه کرد» (همان، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

«به تودل میبندم/ که هر سال، دوباره جوان میشوی/ و مرا با امید بیشتری به افقها شادمان میکنی» (همان، ۱۳۸۹، ص ۳۸).

بسامد واژه‌های عینی در گویه‌های امینی بسیار است. شاعر این واژگان را در جهت خلق مفاهیم انتزاعی استفاده میکند.

- نو واژه

بسامد بالای واژگان خاص و بهره‌گیری از ترکیبات بدیع، و همراه با تسلط امینی بر واژه‌گزینی، نشان‌دهنده آن است که وی با بصیرت و آگاهی، از ظرفیتهای شعر به عنوان بستری برای اشاعه اندیشه‌های خویش بهره گرفته است.

«تلخ یا شیرین، چه نازکانه است/ که چون عزیز جان من از سفر می‌آمد/ شادی من/ در ادب گرم دیگران/ پوشیده میماند» (امینی، ۱۳۸۳، ص ۴۷).

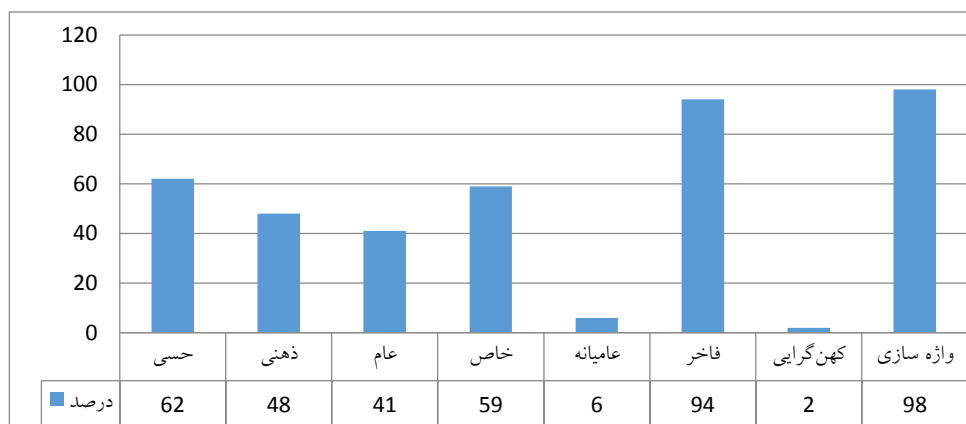
«باز می‌آیم/ در هر شبی که رفیقان جمع‌اند/ هر جا که زنده است هنوز/ رسم خوش برای هم و به یاد هم‌نوشیها» (همان، ۱۳۸۹، ص ۳۴).

مایا کوفسکی در مقاله‌ای تحت عنوان "چگونه میتوان شعر ساخت" اینگونه آورده است: «بیهوده است اگر بکوشیم تا با فلان بحر شعری، که مخصوص حرفهای درگوشی است، هیاهوی کرکننده انقلاب را منعکس کنیم. نه! باید با یک ضربه همه حقوق اجتماعی را در زمانی وارد کنیم. به جای نغمه‌سرایی فریاد بکشیم، به جای خواندن لالایی طبل بزنییم» (رحیمی، ۱۳۵۱، ص ۷).

نواژه‌های شعر او عبارتند از: دورگاه، زنگ‌زده، رنج‌برده، نغمه‌گشا، شیکوه‌گزار، پژواکه، لرزناک، سایه‌افکن، آواره‌گردی، نیم‌رنگ، شتابناک، شخم‌زار، نازخند، و

جدول ۳- واژه‌گزینی در لایه واژگانی در آثار مورد پژوهش

واژه‌گزینی							
حسّی	ذهنی	عام	خاص	عامیانه	فاخر	کهن‌گرایی	واژه‌سازی
۶۲ درصد	۴۸ درصد	۴۱ درصد	۵۹ درصد	۶ درصد	۹۴ درصد	۲ درصد	۹۸ درصد



نمودار ۳- واژه‌گزینی در لایه واژگانی در آثار مورد پژوهش

لایه آوایی:

مفتون با بهره‌گیری هنرمندانه از توالی اضافات، تکرار (هجا، واج، جمله، واژه) و عناصر معنایی (مراعات نظیر و تضاد) به تقویت محور موسیقی معنوی، درونی و کناری گویه‌های خود پرداخته است.

- واژگان همجنس و متناسب (مراعات نظیر و تضاد)

استفاده از واژگان متناسب در راستای تقویت موسیقی درونی شعر اگر هنرمندانه و به دور از هرگونه فضا سازی کلیشه‌ای و تکراری ملال‌آور انجام پذیرد، میتواند در تقویت محور معنایی، پیوند میان اجزا و استحکام فرم درونی شعر تأثیر بسزایی داشته باشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷، ص ۹۷). مفتون در گویه‌هایش، با به‌کارگیری واژه‌هایی از یک‌دسته معنایی و ساختاری نزدیک به هم و نیز استفاده از واژگان عینی در جهت خلق مفاهیم انتزاعی نظر داشته است و همین عوامل از یکسو در جهت تقویت محور معنایی و استحکام ارتباط میان اجزای شعر شده و از دیگر سو با کمک زنجیره کلمات متناسب، اندیشه و نگاه ایدئولوژیک او را در بستر گویه‌هایش آشکار میکند. «و چه کردید عشق را؟! که نسیم سبز ییلاق جوانی بود/ و اجاق زرد قشلاق پیری» (امینی، ۱۳۸۳: ۳۵). «عاطفه جان! این را نیز گفته باشم/ که او دو سه وعده است دیر می‌آید و زود می‌رود» (همان، ۱۳۸۵، ص ۶۷).

- تکرار

تکرار منظم و متناوب، یکی از عوامل مختلف موسیقی در شعر است (عمران‌پور، ۱۳۸۶، ص ۸۶). «شاخص‌ترین ویژگی آوایی تکرار واژه، جمله و عبارت است» (سلاجقه، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰). تکرار در گویه‌های مفتون، نقش مهمی در خلق تصاویر و شکل‌آفرینی آن دارد.

«سروی و سروی کنار هم/ قسمت کوچکی از باغ بزرگ شیراز/ ستونی و ستونی، کنار هم/ قسمت کوچکی از کاخ قدیم اصفهان/ فواره‌ای فواره‌ای کنار هم/ قسمت کوچکی از فضای مهمانخانه رامسر» (امینی، ۱۳۸۳، ص ۹۱). تکرار واژه سرو، ستون و فواره باعث زیبایی و موسیقی کلام شده که تداعی خاطرات زیبای شاعر است. تکرار در گویه‌های امینی حاصل تجربیات، اندیشه‌های اجتماعی و دغدغه‌های روحی و روانی اوست که در انتقال احساسات، ذهنیات و همچنین در تشخیص بخشیدن مفاهیم و تصاویر خلاقانه به کمک شاعر آمده است. در این گویه که چگونه شاعر افسوس و دریغ خود را با استفاده از آواها نشان میدهد:

«گاهی غبار آلود می‌شوم/ گاهی عطر آگین/ گاهی نمناک/ گاهی گرم و سرد/ و گاهی/ سست و تهی/ که نمیدانم چه هستم و چرا هستم؟» (امینی، ۱۳۸۵، ص ۲۴).

تکرار واج «آ» تداعی درنگ و ایستایی شاعر، از دغدغه‌های درونی شاعر خبر میدهد که میان مکنونات ذهنی خود اسیر است و تکرار واج «س» تداعی شک‌و‌تردید میکند.

- تتابع اضافات

در گویه‌های مفتون، توالی کسره چه به شکل اضافی و چه وصفی از بسامد بالایی برخوردار است.

«زیر سایه چترهای سفید و زرد/ و در صدای مقطّع تاکسیهای سیاه» (امینی، ۱۳۸۳، ص ۳۲).

«مونس من!! بگذار که در این ده قشلاقی/ خاطرات همه بهارها، تابستانها و خزانها را ورق بزیم/ و اجلاق زرد شعله‌مان را/ با شاخه‌های قهوه‌ای خشک زنده نگه داریم» (همان، ۱۳۸۵، ص ۵۸).

مفتون در گویه‌هایش از این ویژگی بسیار استفاده کرده است. در این گویه حس غم‌واندوه و نیز حسرت برگزشته بسیار قوی عمل کرده است.

- کاربرد «و» وصل

از جمله حروف ربط ساده حرف «و» است. «حرف ربط یا پیوند، کلمه‌ای است که دو کلمه همگون یا دو عبارت یا جمله را به هم می‌پیوندد و آنها را همپایه و هم‌نقش می‌سازد و یا جمله‌ای را به جمله دیگر می‌پیوندد و دومی را وابسته اولی قرار میدهد» (انوری، گیوی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۴۸). در گویه‌های مفتون از حرف «و» بیشتر در نقش عطف دو کلمه، جمله و همپایه و یا هم‌نقش ساختن آنها از بسامد بالایی برخوردار است. به نظر میرسد که امینی از این شگرد در جهت برجستگی اندیشه و ایجاد احساس شور و هیجان در مخاطب بهره برده است.

«تا کی صاحب یک قایق بیاید و ببردش/ و برافرازدش/ غریبتر از غرور خویش میگوید/ هم قدیمی‌ام و هم قیمتی‌ام/ کاش فقط یکی از اینها بود» (امینی، ۱۳۸۹، ص ۱۲).

«من و تو، در این حال و سال/ نمیتوانیم آن باشیم که میخواستیم» (همان، ۱۳۸۵، ص ۵۸).

لایه نحوی:

در سبک‌شناسی نحوی فتوحی، مؤلفه‌هایی چون ساختار جمله، پیوند نحوی، وجیهت، زمان افعال و صدای دستوری بررسی میشود. این عناصر در دو دسته کلی جای میگیرند: بخشی مرتبط قطعیت معنایی متن و بخشی دیگر ناظر بر ساخت و سبک نحوی جمله میباشد.

- چیدمان طبیعی در جمله (نحو معیار)

«در بررسی نحو هر متن، باید میزان خروج از معیارهای آن متن را براساس نحو پایه یا هنجار سنجیده شود. نحو پایه عبارت از «نظم سازنده زبان» است» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۲۷۰). هنجارگریزی و جابجایی از نحو معیار در گویه‌های امینی با فاصله آماری کمی بسامد دارد. زبانش در گویه‌ها، زبانی ساده به دور از پیچیدگی در جای‌گردانی نحوی است؛ جابجایی ارکان در گویه‌هایش بسامد بالایی ندارد و پابندی وی را به نحو پایه آشکار میکند.

- چیدمان نشاندار

در عرصه نحو‌شناسی معاصر، مفهوم «نظم نشاندار» به عنوان جایگزینی برای «نظم پایه» مورد توجه قرار گرفته است. «اگر در یک متن، نظم عادی نحو به خاطر تأکید بر بخشی از کلام تغییر کند و ساختاری غیرمتداول و نامعلوم و متفاوت با نظم پایه داشته باشد، نشان و تشخیص خاصی خواهد یافت» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۲۷۴). در این بخش، جمله‌های شاعر از نظر ساختار نحوی و شیوه چینش واژگان بررسی شدند تا بتوان به درک روشنتری

از نگاه و تمرکز ذهنی او بر عناصر جمله دست یافت. آن‌چه از دل این واکاوی برمی‌آید، آنست که امینی، بیش از هر چیز، فعل را در جایگاهی برجسته و اصلی مینشاند؛ به‌گونه‌ای که در ۲۸ درصد از نمونه‌ها، فعل به‌صورت پیش‌فرض و مقدم بر دیگر اجزای جمله ظاهر شده است. این موضوع، بی‌گمان ریشه در نوع نگاه او به کنش، رویداد و دلالت‌های درونی فعل دارد.

در کنار این، جابجایی نهاد نیز با بسامدی حدود ۱۸ درصد به چشم می‌خورد؛ نشانه‌ای دیگر از گرایش شاعر به شکستن ساختارهای معمول و خلق نوعی وزن ذهنی تازه در جمله‌پردازی است.

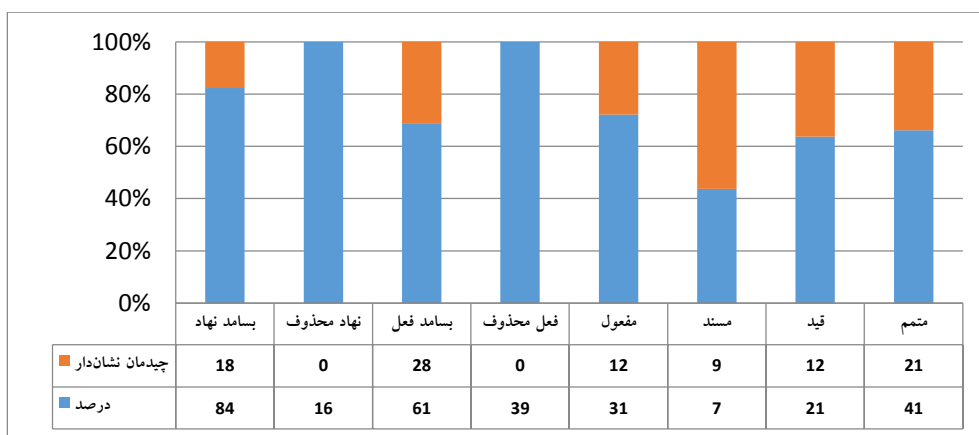
«گفتی / که درخت با جراحت نامها چه کند؟ / و دیوار با لکۀ دشنامها / می‌گویم - که به تدبیری - / باید از خود باعثان آموخت» (امینی، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

«دیده‌ام و دیده‌ای / رنگ نیم‌روزی دریا را / به همان‌گونه / دیده‌ام و دیده‌ای / رنگ سحرگاهی آسمان را / که هر دو چه رازناک‌اند» (همان، ۱۳۸۵، ص ۶۲).

«میرفتم سر کوه / میدیدم که از شهر، دور شده‌ام / اگرچه آن را می‌بینم / می‌آمدم از کوه و دامنه پایین» (همان، ۱۳۸۹، ص ۶).

جدول شماره ۴ - آمار کلی ارکان جمله در آثار مورد پژوهش

نهاد		فعل		مفعول	مسند	قید	متمم
بسامد	محذوف	بسامد	محذوف	-	-	-	-
۸۴ درصد	۱۶ درصد	۶۱ درصد	۳۹ درصد	۳۱ درصد	۷ درصد	۲۱ درصد	۴۱ درصد
چیدمان نشان‌دار (جابه‌جایی در آغاز جمله قرار گرفتن)							
۱۸ درصد		۲۸ درصد		۱۲ درصد	۹ درصد	۱۲ درصد	۲۱ درصد



نمودار شماره ۴ - درصد فراوانی ارکان جمله در آثار مورد پژوهش

- زمان

عامل زمان، متغیر مهمی در میزان واقع‌گرایی متن و شیوه نگاه مؤلف به امور به شمار می‌رود؛ مثلاً مضارع ارتباط فوری و بیواسطه با واقعیت دارد. کاربرد گذشته نقلی، التزامی، بعید و وجوهی از فعل (مانند تردید، تمنا) که دلالت بر عدم اطمینان یا ناتمامی وقوع فعل دارد، خواننده را نسبت به موضوع در وضعیتی نامطمئن قرار می‌دهد (فتوحی،

۱۳۹۱، ص ۲۹۱). با نگاهی به زمان در گویش‌های امینی، بسامد بالای فعل ماضی ساده نشان‌دهنده فاصله ذهنی گوینده با واقعیت حادثه و نوعی تردید یا بی‌اعتمادی نسبت به قطعیت آنست؛ گویی رخداد در دوردست‌ها روی داده و تنها بازتابی کمرنگ از آن در ذهن باقی مانده است. «کاربرد فعل ماضی ساده برای بیان عملی است که در گذشته انجام گرفته، بدون توجه به دوری و نزدیکی زمان» (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۴، ص ۴۱).

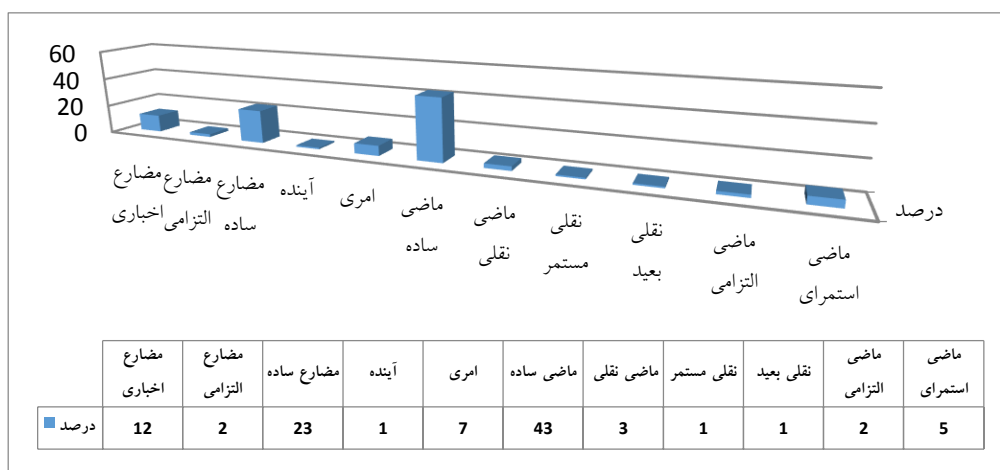
در کنار افعال ماضی، کاربرد فعل مضارع نیز در گویش‌های امینی چشمگیر است؛ به‌ویژه آنکه بسامد آن، با اختلافی محسوس، جایگاه قابل توجهی در میان افعال دارد. این حضور پررنگ مضارع، نشانه‌ایست از نزدیکی ذهنی شاعر به تجربه‌ها و موقعیت‌های بیان شده؛ چنانکه فتوحی اشاره می‌کند: «فعل مضارع ارتباط فوری و بیواسطه با واقعیت دارد» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۱).

«دیروز بود که به او گفتم؛/ داناتر از آنی که زیبا هم نباشی/ نوشخندی زد و گفت/ هی! خرده‌فروش معنا شدیم» (امینی، ۱۳۸۳، ص ۲۸).

«نه دست با دو آب شسته را باور میکند/ و نه دریا دو قفل بسته را» (همان، ۱۳۸۹، ص ۷۴).

جدول شماره ۵- زمان افعال در آثار مورد پژوهش

مضارع اخباری	مضارع التزامی	مضارع ساده	آینده	امری	ماضی ساده
۱۲ درصد	۲ درصد	۲۳ درصد	۱ درصد	۷ درصد	۴۳ درصد
ماضی نقلی	نقلی مستمر	نقلی بعید	ماضی التزامی	ماضی استمراری	-
۳ درصد	۱ درصد	۱ درصد	۲ درصد	۵ درصد	-



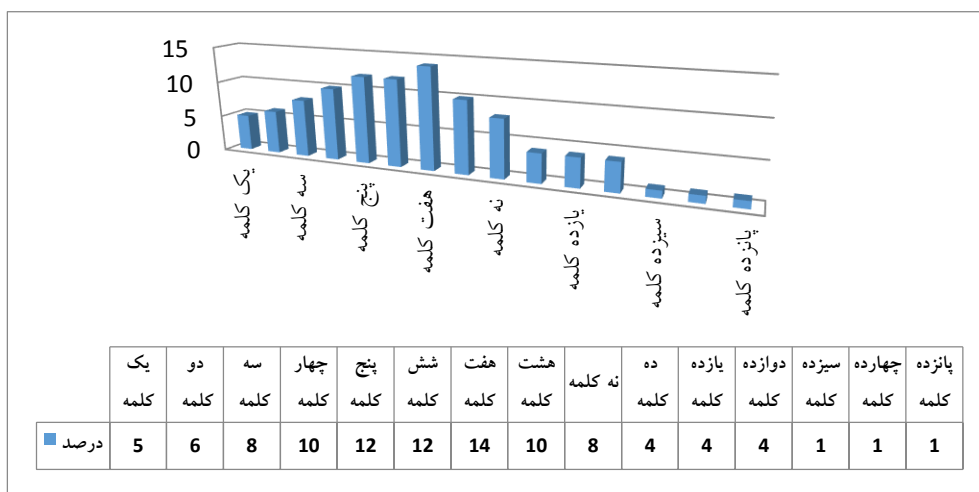
نمودار شماره ۵- درصد فراوانی زمان افعال در آثار مورد پژوهش

- طول جملات (بلندی و کوتاهی)

در گویش‌های امینی، جملات با بسامد بیشتر در ساختارهای هفت، شش، پنج، چهار و سه‌واژه‌ای به کار رفته‌اند. بلندی یا کوتاهی جمله‌ها تابع فضای حاکم بر شعر است؛ جملات کوتاه، شتاب و هیجان را می‌رسانند و بسامد جمله‌های بلند، نشانه‌ای از سکون و وقار در بافت کلام است.

جدول شماره ۶- بسامد طول جملات در آثار مورد پژوهش

بسامد طول جملات					
یک کلمه	دو کلمه	سه کلمه	چهار کلمه	پنج کلمه	شش کلمه
۵ درصد	۶ درصد	۸ درصد	۱۰ درصد	۱۲ درصد	۱۲ درصد
هفت کلمه	هشت کلمه	نه کلمه	ده کلمه	یازده کلمه	دوازده کلمه
۱۴ درصد	۱۰ درصد	۸ درصد	۴ درصد	۴ درصد	۴ درصد
سیزده کلمه	چهارده کلمه	پانزده کلمه	شانزده کلمه	هفده کلمه	هجده کلمه
۱ درصد	۱ درصد	۱ درصد	-	-	-



نمودار شماره ۶- درصد فراوانی طول جملات در آثار مورد پژوهش

- صدای دستوری و سبک

با تفحص در نظریه‌ها، رویکردها و روشهای فتوحی «بخشی از رابطه سبک و اندیشه در صدای دستوری بازتاب می‌یابد. صدای دستوری در کنار دیگر وجوه فعل مانند زمان، نمود، وجیه و حالت شناخته می‌شود ولی معمولترین آنها عبارتند از: صدای فعال، صدای منفعل و انعکاسی» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۵).

گویه‌های امینی صدایی فعال دارند. «صدای فعال (مؤثر) بیان‌کننده انجام یک عمل توسط صراصلی جمله (نهاد) است. وقتی نهاد جمله، کنشگر یا عامل فعل باشد، جمله صدای فعال مؤثر دارد. این صدا از آنرو فعال نامیده می‌شود که عمل از جانب کنشگر (فاعل) که پویاترین یا فعالترین بخش جمله است، جاری می‌شود و در کلام بسط پیدا می‌کند» (همان: ۲۹۵).

«دیدم که وقت می‌گذرد/ و باید که یاد یار و دیار قدیم را تازه کنم/ آنگاه بود که به پرس چه شد/ و چه بود که از دل من جوشید و لخته شد و غنچه شد» (امینی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۷).

«مگر میشد/ که در باور من هیچ، حتی در خیال من نباید/ که گذراندن پاییزی آنهمه بی‌مهمانی باشد/ و بسته بودن در انارستانی، یادش هم اینهمه گس» (همان، ۱۳۹۱، ص ۶۲).

در مثالهای بالا، عمل از جانب کنشگر که شاعر است صورت گرفته و باعث شده صدای سبک آمینی فعال شود. یکی از صداهای دستوری، صدای انعکاسی است که نقش فاعل و مفعول یا کنشگر و کنش‌پذیر را در نحو ایفا میکند. بررسی گویه‌های آمینی حاکی از وجود صدای انعکاسی فاعل است. فتوحی صدای انعکاسی را به‌عنوان صدایی تعریف کرده که «وقتی در جمله فاعل و مفعول یا مبتدا و خبر یک مرجع دارند، صدای نحو انعکاسی میشود» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۰).

«روزهاست که از هیچ بیراهه‌ای نرفته‌ایم/ و چه بد! از آن سو، سال‌هاست/ که از هیچ بیراهه، دوباره نه گشته‌ایم/ و چه خوب!» (امینی، ۱۳۸۳، ص ۸۳).

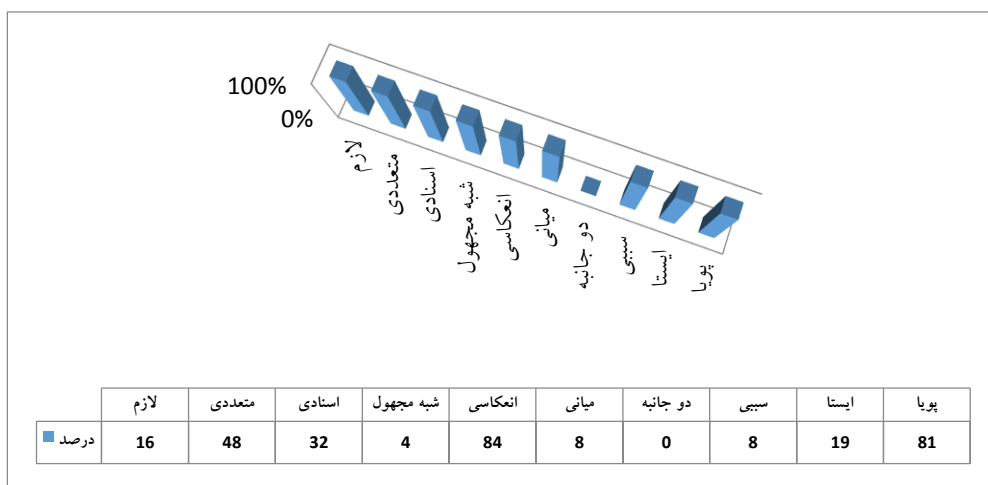
باتوجه به سبک‌شناسی فتوحی، صدای دستوری ممکن است ایستا یا پویا باشد. «صدای دستوری از دل زبان و از لایه‌های درونی روابط واژگان در جمله بیرون می‌آید» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۱). این مسئله در دستور زبان فارسی به دسته‌بندی فعلهای تداومی و لحظه‌ای مربوط میشود. گویه‌های آمینی با بررسی صورت گرفته، صدایی پویا دارد. شاعر دارای ذهنی پویاست که از پویایی افعال که اهمیتی بالا در سبک شاعر دارند، میتوان به ذهنیت پویای شاعر نیز پی برد.

«ای جان رفیق/ من از این مهتابی و از پس نرده‌ها میبینم/ که باغچه همسایه نزدیک است/ اما فقط برای سر درختانش» (امینی، ۱۳۸۶، ص ۳۲).

«چه شده است؟/ که ما محرم خود را کسی میدانیم/ که هنوز/ در ادامه دوستی/ نه خیانت نهان کرده است/ و نه عداوت آشکار» (همان، ۱۳۹۱، ص ۶۳).

جدول شماره ۷- صدای دستوری در آثار مورد پژوهش

بررسی افعال			
لازم	متعددی	اسنادی	شبه مجهول
۱۶ درصد	۴۸ درصد	۳۲ درصد	۴ درصد
صدای دستوری			
انعکاسی	میانی	دو جانبه	سببی
۸۴ درصد	۸ درصد	-	۸ درصد
صدای دستوری			
ایستا		پویا	
۱۹ درصد		۸۱ درصد	



نمودار شماره ۷- درصد فراوانی صدای دستوری در آثار مورد پژوهش

وجهیت

«وجهیت گرامر تعبیر پنهان است؛ ابزاریست که مردم با آن درجه تعهد و التزام و سرسپردگی خود را نسبت به حقیقت گزاره‌هایی که می‌گویند، بیان می‌کنند. وجهیت به نگرگاه آنها دربارهٔ تمنا و آرزوی یک حالت از امور اشاره دارد» (فتوحی، ۱۳۹۱، ۲۸۵).

- وجهیت در فعل

وجه فعل، «صورت یا جنبه‌هایی از آن است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنی، تأکید، امید و برخی امور دیگر دلالت می‌کند» (فرشیدرود، ۱۳۸۲، ص ۳۸۱). نحو‌شناسان سنتی معمولاً فعل را از نظر وجه به سه دستهٔ اخباری، امری و التزامی تقسیم می‌کنند؛ با این حال، مبنای این پژوهش، تقسیم‌بندی وجوه دستوری بر اساس رویکرد سبک‌شناسی فتوحی است. در تحلیل گزاره‌های امینی، سه نوع وجه دستوری بیشتر از سایر وجوه به چشم می‌خورد: ابتدا وجه اخباری، سپس وجه عاطفی و در مرتبهٔ بعد، وجه امری. این سه وجه با اختلاف آماری محسوس نسبت به سایر انواع، بسامد بیشتری دارند.

غلبهٔ وجه اخباری در این گزاره‌ها، بیانگر نوعی قطعیت در رخدادهای بیان شده و پیوند عمیق شاعر با آنهاست. از سوی دیگر، وجه عاطفی به‌وضوح حامل هیجانات، شور درونی و احساسات عمیق شاعرانه است. کاربرد بالای وجه امری نیز نشان‌دهندهٔ نوعی قاطعیت در زبان شاعر و تلاش برای تأکید بر ضرورت انجام اعمال خاص در موقعیت‌های مشخص است. در کنار اینها، وجه تمنایی نیز هرچند با احتیاط و به‌صورت محدودتر، در زبان امینی به‌کار رفته که نشان از نوعی ملاحظه‌کاری یا ملاحظات احساسی خاص در بیان خواسته‌ها دارد.

وجه اخباری:

از میان انواع وجهیت در فعل، وجه اخباری در گویه‌های یدالله امینی از بسامد بالایی برخوردار است. سامد بالای وجه اخباری بیانگر ارتباط نزدیک شاعر با تجربه‌های زیست محیطی‌اش است.

«در یک روز پاییز بود که آمدی/ پاییزی، با دو زمستان در پیش رو/ و در یک روز تابستان بود که رفتی/ تابستانی با دو بهار، در پشت سر» (امینی، ۱۳۸۳، ص ۷۵).

«و اینکه/ انتخاب/ هیچ‌وقتی از انتخاب نمی‌افتد/ بدانسان/ که بوی گل از گلاب» (همان، ۱۳۹۱، ص ۵۱).

وجه عاطفی:

«محبوب من، ای دلربا/ کاش میگفتی/ که دیگر کدام «بیش از یکیها» زیبا نخواهند بود/ تا شاید/ در دل خود/ گمانی را پیراسته باشیم/ یا باوری را آراسته» (امینی، ۱۳۸۶، ص ۱۷).

«و تو بگویی در آمدن من این و آنی نیست/ هر وقت که بدانم/ زمستان تو تمام شده است/ خواهم آمد» (همان، ۱۳۹۱، ص ۴۸).

وجه امری:

فتوحی وجه‌هایی چون امری، نهی، شرطی و نظایر آن را در زمره وجه التزامی دسته‌بندی میکند. این وجه، بیانگر جهت‌گیری و حالت‌گوینده نسبت به انجام عملی است که در قالب‌هایی مانند درخواست، توصیه، اجبار یا فرمان نمود مییابد (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۲۸۵).

«گفت؛ بنویس «آرزو»/نو شتم و گفت سر سطر/ و گفت بنویس «جستجو»/ نو شتم و گفت سر سطر/ و گفت بنویس «مرگ»/نو شتم و بازگفت سر سطر/ گفتم که دیگر این یک چرا؟» (امینی، ۱۳۹۱، ص ۸۸).

«و بشنو، ای آشنا/ آن روز که آمدن بهار بود/ نسیم را در آفتاب، دوست میداشتم/ روزهای رفتن بهار/ آفتاب را در نسیم» (همان، ۱۳۸۳، ص ۴۶).

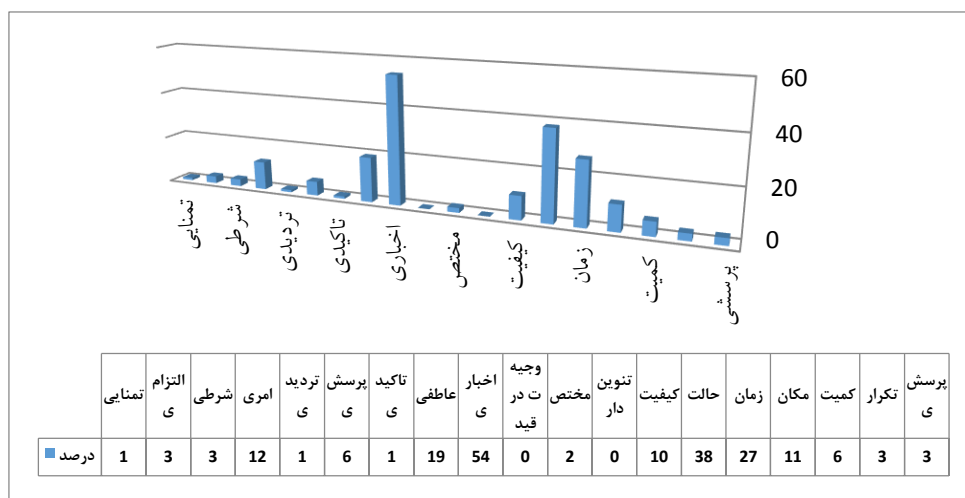
- وجهیت در قید

گویه‌های امینی زانمند و بر قید حالت استوار است. قیدهای حالت بیانگر حالات غم، حزن، مستی، ناراحتی و حتی دغدغه‌های شاعر بوده و بسامد قیدهای زمان چون روز، صبح، سحر و فصل و... در حقیقت بیانگر منطقی بودن شاعر با توجه به زمان وقوع رخداد‌های مهم زندگی‌اش است. قید حالت نیز دو بُعد از شخصیت شاعر چه از لحاظ احساسات و عواطف شاعر و چه از نظر منطقی بودن وی را در کنار هم به تصویر میکشد.

«تابستان رفتم که زود بیایم/ اما دیر شد/ زمستان رفتم که بمانم/ اما آمدنی شدم» (امینی، ۱۳۹۱، ص ۷).
«میخواهم که با عزیزم ساعتی خوش، باشم/ میپرسد که با چه اعتمادی/ و چه انتظاری؟» (همان، ۱۳۸۹، ص ۷۴).
«دوست بوده‌ام ای رفیق/ ظهر آن روز بهاری را/ در آن باغ بزرگ پای کوه/ و آن گل‌گشت را/ از یاد که نه برده‌ای؟» (همان، ۱۳۸۵، ص ۳۱).

جدول شماره ۸ - وجهیت در آثار مورد پژوهش

وجهیت در فعل								
تمنایی	التزامی	شرطی	امری	تردید	پرسشی	تاکیدی	عاطفی	اخباری
۱ درصد	۳ درصد	۳ درصد	۱۲ درصد	۱ درصد	۶ درصد	۱ درصد	۱۹ درصد	۵۴ درصد
وجهیت در قید								
مختص	تنوین‌دار	کیفیت	حالت	زمان	مکان	کمیت	تکرار	پرسشی
۲ درصد	-	۱۰ درصد	۳۸ درصد	۲۷ درصد	۱۱ درصد	۶ درصد	۳ درصد	۳ درصد



نمودار شماره ۸- وجهیت در آثار مورد پژوهش

- بیان

در قلمرو نقد و تحلیل ادبی، علم بیان را خاستگاه و زیربنای «صور خیال» میدانند؛ عناصری که در شکل‌گیری تخیل ادبی، برجسته‌سازی معنا و آفرینش تصاویر ذهنی نقشی بنیادین دارند. «بیان در لغت به معنی واضح‌بودن و آشکار ساختن است و در اصطلاح علمی است که بدان شناخته می‌شود کیفیت ایراد معنی واحد به طریقی که مختلف باشد در وضوح دلالت بر آن معنی پس از رعایت مقتضای حال» (رجایی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۹). بررسی کیفیت و بسامد این عناصر در گویه‌های امینی، امکان تحلیل دقیق‌تری از گرایشهای زبانی، ذهنی و زیباشناسی او را فراهم می‌سازد.

- تشبیه

به گواهی بلاغیون تشبیه سنگ بنا مبحث علم بیان و زیربنای استعاره بشمار می‌آید. «هر تشبیهی وسعت و زاویه دید خالق آن را به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که شاعر چگونه توانسته میان اشیا و عناصر به ظاهر بی‌ارتباط و متنوع پیوند ایجاد کند» (همتیان و غفوری، ۱۳۹۸، ص ۵۴). بسامد بالای «تشبیه» به‌ویژه «استعاره» از عناصر مورد علاقه امینی است که در زیر به انواع آن پرداخته خواهد شد:

تشبیه ساده: تشبیه ساده یکی از ابتدایی‌ترین و کاملترین نوع تشبیه است که در هر کدام از ارکان تشبیه اگر تغییری ایجاد شود، نوع تشبیه هم به مراتب تغییر میکند.

«هی! آدمها نیز خسته میشوند/ با سرنوشتی؛ نخست، مثل موج/ آنگاه مثل آفتاب/ سپس مثل باد...» (امینی، ۱۳۸۳، ص ۶۰).

«یک پا در بهار و یک پا در تابستان/ به چه می‌مانی جز به بوته‌ای گل سرخ/ وقتی عطر آن را از آخرین شب بهار سر می‌رود» (همان، ۱۳۸۹، ص ۷).

تشبیه حسی: در گویه‌های امینی، این نوع تشبیه به شکل پراکنده اما معنادار به چشم می‌خورد. فضای زیستی، تجربه‌های شخصی و وضعیت اقلیمی و فرهنگی که شاعر در آن رشد یافته، تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری تصاویر حسی در ذهن و زبان او داشته است. کاربرد تشبیه حسی در اشعار مفتون نه تنها به تقویت وجه تصویری اثر کمک کرده، بلکه باعث ارتباط عمیق‌تر مخاطب با مفاهیم نیز شده است.

«لیخندی از کنار دلم رد شد/ روشن شدم/ آن سان که برگ تشنه‌ای از نور آذرخش!...» (امینی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۴).
 «نه تنها «چراغ من این جا می‌سوزد»/ که ستاره من هم این جا می‌درخشد» (همان، ۱۳۸۵، ص ۴۵).
 تشبیه وهمی: «تشبیه وهمی و خیالی آن است که مشبه به وجود خارجی نداشته باشد...» (همایی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۳).
 با این حال، در تحلیل گویه‌های امینی، کاربرد تشبیه وهمی یا خیالی بسیار محدود به نظر میرسد. سبک بیانی امینی به واقع‌گرایی گرایش دارد و تشبیهات او غالباً از نوع حسی و برآمده از عناصر ملموس و تجربه زیسته روزمره و طبیعت اطراف او هستند.

«مگر میشود/ که در باور من هیچ، حتی در خیال من بیاید/ که گذراندن پاییزی آنهمه بی‌مهمان باشد/ و بسته بودن در انارستانی، یادش هم اینهمه گس» (امینی، ۱۳۹۱، ص ۶۲).
 «با دل خاکستری‌اش/ می‌رود و باز می‌گردد/ خیابانی را که تازه شناخته است/ با زخم‌های فراموشش/ می‌پوشد و در می‌آورد/ پیراهنی را که تازه خریده است» (همان، ۱۳۸۶، ص ۴۰).
 تشبیه بلیغ اسنادی: بررسی گویه‌های یدالله امینی نشان می‌دهد که بسامد تشبیه بلیغ اسنادی در آثار وی نسبت به نوع اضافی محدودتر است و شاعر ترجیح داده است بیشتر از ساختارهای فشرده و پر تصویر تشبیه بلیغ اضافی بهره ببرد.

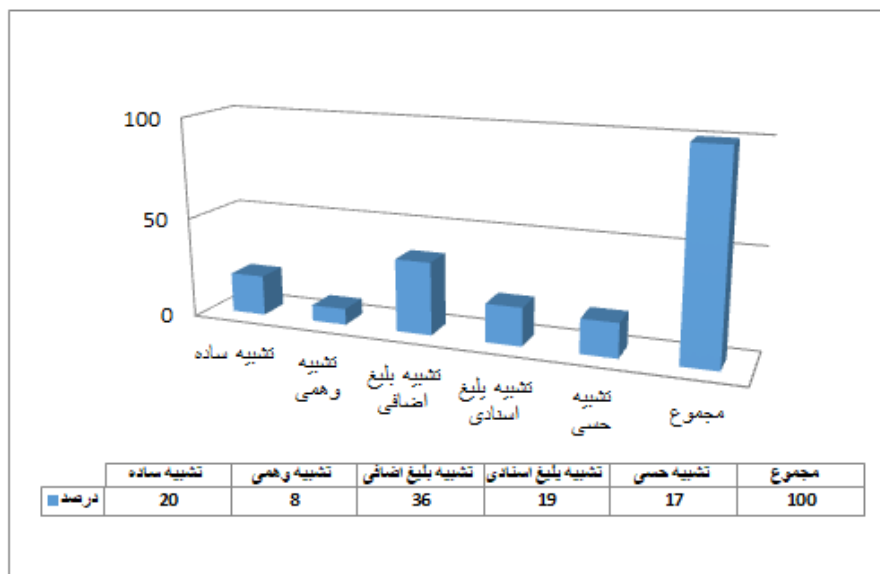
«و بشنو، ای آشنا/ که دست‌کم صدفبار، من خیال آز ما/ تا در باغ جوانی بازگشته‌ام/ و تا چشم‌انداز کاخ امید/ وقتی که/ در پیاده‌روهای نیم سرد و نیم روشن عصر/ خوبان رهگذری» (امینی، ۱۳۸۳، ص ۲۵).
 «در خانه/ یک پیاله از آن را سر میکشد/ و می‌آساید/ «ماه»ی/ که «آب» در او افتاده است...» (همان، ۱۳۸۹، ص ۸).

تشبیه بلیغ اضافی: بررسی گویه‌های یدالله امینی نشان می‌دهد که بسامد تشبیه بلیغ اضافی در آثار او گسترده‌تر از انواع دیگر تشبیه است. به نظر میرسد که انتخاب این ساختار توسط شاعر، تا حدودی تحت تأثیر شرایط ذهنی، عاطفی و درونی اوست؛ به‌ویژه در موقعیتهایی که جهان ذهنی مفتون متأثر از دغدغه‌های فردی، اجتماعی یا فلسفی بوده است.

«رفتیم؛ تا کجاهای آن آب غروب/ که با خرج همت خود/ خطری از دریای پاییز بخریم...» (امینی، ۱۳۸۵، ص ۱۹).
 «از یک عشق/ کلید چند قصر هوس را به تو خواهد سپرد/ که میتوانی همه آنها را پرت کنی به هر دور/ تا کلید اتاق بخت خود را گرفته باشی» (همان، ۱۳۸۵، ص ۵۴).

جدول شماره ۹- درصد تشبیه در آثار مورد پژوهش

تشبیه حسی	تشبیه بلیغ اسنادی	تشبیه بلیغ اضافی	تشبیه وهمی	تشبیه ساده
۱۷	۱۹	۳۹	۸	۲۰



جدول شماره ۹ - درصد تشبیه در آثار مورد پژوهش

استعاره

«سبک‌شناسان نیز استعاره را از مهمترین صورت‌های مجازی می‌دانند و گاه آن را به منزله یک سبک رده‌بندی می‌کنند... فراوانی یکی از این صور استعاری در یک متن، شگرد استعاره‌پردازی متفاوتی را شکل می‌دهد و سبب تفاوت محتوی و شکل اندیشه مؤلف هم خواهد شد» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۳۱۴).

در گویه‌های یدالله امینی «استعاره» یکی از مهمترین سازه‌های ادبی است. مفتون از برخی واژه‌ها در ساختن استعاره و تشبیه بسیار استفاده کرده است. از آن جمله‌اند: بهار، پاییز، عشق، ماه، زمستان، موج و... .

استعاره مصرحه: استعاره مصرحه، از ساده‌ترین و پرکاربردترین نوع استعاره در نظم و نثر است. «این نوع استعاره از ذهنیتی بیرون می‌آید که پدیده‌ها را در سطح ظاهری براساس شباهت بیرونی آن‌ها به‌جای هم می‌نشانند. این نوع ذهنیت، شباهت‌جوی، اثبات‌گرا و مبتنی بر تجربه حسی است. نقش این نوع استعاره تنوع‌بخش به بیان بر اساس نگرش تشبیهی، فشرده‌سازی کلام و آرایش اندیشه است» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۳۱۶). استعاره مصرحه به واسطه روشنی و رابطه مستقیم آن با طبیعت، از بسامد بالایی در گویه‌های امینی برخوردار است.

«سلام و سلامها بر تو/ که جان کلام را می‌گفتی و/ کلام جان را» (امینی، ۱۳۸۵، ص ۳۹).

«موج خسته میشود/ و می‌خواهد که به دامن خاک پناه ببرد» (همان، ۱۳۸۳، ص ۵۹).

«سر دل به خیال سپرده‌ام/ دل سر به هوا گذاشته‌ام را» (همان، ۱۳۸۶، ص ۴۲).

استعاره مکنیه: استعاره مکنیه یا به تعبیری استعاره پنهان در مقابل آشکار انوعی دارد و به صورت مختلف ساخته میشود، ولی ریشه و ژرف ساخت آن مانند استعاره مصرحه در تشبیه است.

«شاعری در حومه صبر و در میانه درد/ هم بیمار سر و هم بیمار پا...» (امینی، ۱۳۸۹، ص ۳۱).

«عصر دیروز هم/ که از پشت بام دیدیم/ چند خیابان پر از غبار و غلغله است/ از خبرگوی شب، چیزی نشنیدیم» (همان، ۱۳۸۳، ص ۶۹).

استعاره مکنیه با فعل: استعاره‌هایی که در زیر آورده شده از این نوع است که در اثر کاربرد خاص فعل ایجاد شده است.

«خاک شنید و چیزی نگفت/ تاک نیز خاموش ماند/ و من شاعر که در آن‌جا حضوری و حالی داشتم...» (امینی، ۱۳۸۵، ص ۶۱).

درخت می‌گوید که ما کوچه‌وش ایستاده‌ایم و دست بر سینه/ تا تو منت آدمها و دیوارها را نکشی (همان، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

«موج خسته میشود/ و می‌خواهد که به دامن خاک پناه ببرد» (همان، ۱۳۸۳، ص ۵۹).

اضافه استعاری: اضافه استعاری یک نوع ترکیب اضافی است که اساس آن تشبیه است؛ یعنی تشبیه و یکی از متعلقات مشبیه به آن اضافه شده است و «ترکیب استعاری» به وجود آورده است؛ مانند: نیازهای تن، خواسته‌های جان، افق دل، زبان عشق، نفس‌های آمیخته به نم خاک و... .

«و چه کردید عشق را؟! که نسیم سبز ییلاق جوانی بود/ و اجاق زرد قشلاق پیری» (امینی، ۱۳۸۳، ص ۳۵).

«در مسیری/ که آن همه مکالمه دارد با صداقت‌های سبز/ و درد دل‌های نغز/ تا مگر از هر سفر، گرم‌دهنتر و نرم‌سخت‌تر برگردی/ برای مواظبت زبان عشق...» (همان، ۱۳۸۳، ص ۱۰۶).

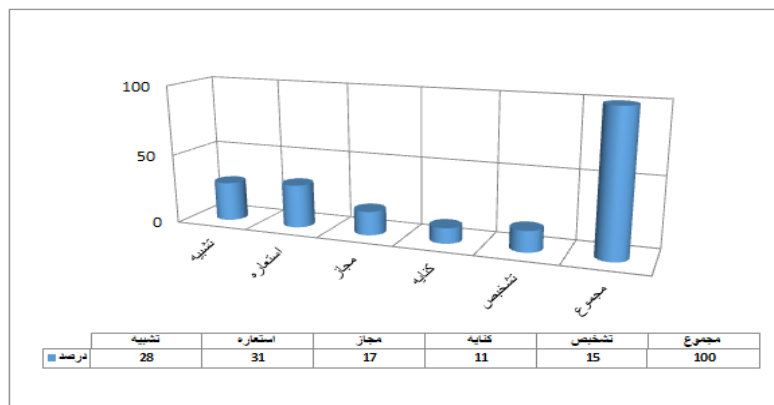
«سلام و سلاما بر تو/ که جان کلام را می‌گفتی و/ کلام جان را» (همان، ۱۳۸۵، ص ۳۹).

استعاره جوششی: «در سبک طبیعی، استعاره‌ها ناخودآگاه خلق میشوند؛ چراکه استعاره، شکلی از اندیشیدن است؛ تجربه‌های درونی و بیان‌ناپذیر و حساسیتها و ذهنیتهای انتزاعی در قالب استعاره‌های تازه، ظهور می‌یابد و از این رهگذر استعاره، واقعیت جدیدی خلق میشود. در چنین وضعیتی، گوینده اندیشه خود را در استعاره کشف میکند» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۳). در گویه‌های امینی، استعاره‌ها بیشتر از نوع جوششی‌اند که نشان‌دهنده اراده شاعر برای زیباتر کردن و اثرگذاری عمیق‌تر متن است.

«درخت می‌گوید که ما کوچه‌وش ایستاده‌ایم و دست بر سینه/ تا تو منت آدمها و دیوارها را نکشی» (امینی، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

«گویی که گوش می‌سپرم به رود بلندی در گذر از نشیبها و خم‌وپیچها» (همان، ۱۳۸۳، ص ۴۲).

جدول شماره ۱۰- درصد فراوانی علم بیان در آثار مورد پژوهش



نتیجه‌گیری

مفتون امینی در واژه‌گزینی، از واژگان عینی برای خلق مفاهیم انتزاعی بهره برده است. یکی از ویژگی‌های برجسته گوئی‌های او، بسامد بالای واژگان شکوهمند و واژه‌سازی است که تمایز سبکی و توجه شاعر به تازگی‌های زبان را نشان می‌دهد. امینی از ترکیبات جدید و واژگان خاص برای انتقال مؤثر اندیشه‌های خود استفاده کرده و بطور نمادین برخی رنگها را به کار برده که بیانگر زاویه دید و تفکر اوست.

در لایه ایدئولوژیک واژه، بسامد رمزگان ساختاری سبب نزدیکی واژگان به واقعیت شده و تحت تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی قرار دارد. شاخص مکان و زمان بسامد بیشتری نسبت به شاخص اشخاص دارد، هر چند شاخص اشخاص دایره‌ای محدود از مخاطبان را نشان می‌دهد. در مبحث «نشان‌داری» و «بینشانی» واژگان، استفاده غالب از واژگان نشان‌دار نشان‌دهنده تسلط امینی بر متون ادبی و انعکاس آن در ذهنیت شاعر است. بسامد بالای تضاد و تکرار نیز تأکید شاعر بر مفاهیم ضد و نقیض ذهنی او را آشکار می‌سازد.

در لایه آوایی، تتابع اضافات، تناسبها، تکرار و شگرد وصل و فصل به تقویت محور موسیقایی و عمودی شعر کمک کرده و توجه عمده شاعر معطوف به تناسب و تکرار است.

تحلیل لایه نحوی نشان می‌دهد که انتخاب واژگان، چینش غیرمعیار و ساختار جمله‌ها شاکله سبکی منحصر به فرد امینی را شکل می‌دهند. فاصله‌گیری از نحو معیار، جابجایی نهاد و فعل و استفاده از زبان ساده، همراه با بسامد بالای ماضی ساده و مضارع، تمرکز شاعر بر گذشته و استمرار آن در حال را نشان می‌دهد. ساختار جملات از تعادل و هماهنگی خاصی برخوردار است که محتوای شعر را تقویت می‌کند.

تحلیلها نشان می‌دهد امینی با تکیه بر استعاره، تشبیه، کنایه، حس‌آمیزی و دیگر آرایه‌های بدیعی، موفق به خلق زبانی چندلایه و موسیقایی شده است که معنا و صورت در آن تعامل تنگاتنگ دارند و مفاهیم فلسفی، روانشناسی و اجتماعی را مؤثر منتقل می‌کنند. استعاره‌های کشتی و مفهومی جایگاه ویژه‌ای دارند و مفاهیم انتزاعی و تأمل‌برانگیز را به صورتی محسوس و قابل درک به مخاطب منتقل می‌کنند. همچنین، صدای فعال همراه با عناصر بلاغی و زمانی، ساختار زبانی او را در خدمت انتقال پیامهای اجتماعی و عاطفی قرار داده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد استخراج شده و حاصل همکاری پژوهشگر اصلی، خانم سلیبی‌ناز رستمی، با راهنمای اصلی آقای کاکهرش و مشاوره علمی خانم شمسی‌علیاری است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله از مسئولین دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد و به‌ویژه جناب آقای دکتر مجد، مدیر مسئول مجله بهار ادب، که در ارتقای کیفیت علمی این تحقیق یاری کردند، صمیمانه قدردانی می‌کنند.

تعارض منافع

نویسندگان تأکید می‌کنند که این مقاله در هیچ نشریه‌ای منتشر نشده و حاصل تلاش خود آنهاست. انتشار مقاله با اطلاع و موافقت کامل آنها انجام شده و تحقیق مطابق اصول اخلاقی و آیین‌نامه‌های پژوهشی بوده است. مسئولیت هرگونه تضاد منافع یا منابع مالی بر عهده نویسنده مسئول است.

REFERENCES

A) Books

- Amini Yadollah (2010), *From the Trap of Imagination Around the Green Time*. First Edition. Tehran: Amrud Publications, pp: 25-6.
- Amini Yadollah (2007). *Distant Nows*. First Edition. Tehran: Amrud Publications, pp: 25-6.
- Amini Yadollah (2012). *Celebration of Words, Feelings, and States*. First Edition. Tehran: Amrud Publications, pp: 26-6.
- Amini Yadollah (2004). *Afternoon in the Observatory Garden*. First Edition. Tehran: Negah Publications, pp: 26-7.
- Amini Yadollah (2006). *Me, Autumn, and You*. First Edition. Tehran: Amrud Publications, pp: 26-6.
- Anvari, Hassan; Ahmadi Givi, Hassan. (2007). *Persian Grammar (2)*. Third Edition. Tehran: Fatemi Cultural Institute Publications, pp: 17-17.
- Bahar, Mohammad Taqi. (1994). *Stylistics*. Vol. 1. 7th Edition. Tehran: Amir Kabir, pp. 2-2.
- Chandler, Daniel. (2008). *Foundations of Semiotics*. Translated by Mehdi Parsa. 3rd Edition. Tehran: Sureh Mehr, pp: 7-7.
- Dad, Sima. (2001). *Dictionary of Literary Terms. Lexicons, Concepts, and Literary Terms in Persian and European*. 4th Edition. Tehran: Morvarid, pp: 4-4.
- Darper, Maryam. (2014). "Layered Stylistics: A Contextual Description and Explanation of Ghazali's First Style Book." *Adab-Pazhuhi*, No. 27, pp. 115-136, pp: 11-2.
- Zarrinkub, Hamid. (1979). *A Panorama of New Persian Poetry*. Tehran: Tous Publications, pp: 5-7.
- Salak, Amir Hossein, and Mohammad Amirjalali. (2021). "Critical Stylistics of Shah Tahmasb Safavi's Letter to Sultan Suleiman Ottoman with a Critical Discourse Analysis Approach." *Linguistic and Rhetorical Studies Quarterly*, No. 26, pp. 197-232, pp: 5-5.
- Sujoudi, Farzan. (2008). *Applied Semiotics*. Tehran: Ghatseh, pp: 7-7.
- Salajgeh, Parvin. (2008). *Prince of Tiles (Criticism and Contemporary Poetry)* Ahmad Shamlou. Second Edition. Tehran: Morvarid Publications, pp: 16-16.
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza. (2004). *Periods of Persian Poetry (From Constitutionalism to the Fall of the Monarchy)*. Second Edition. Tehran: Sokhan Publications, pp: 15-8.
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (2008). *Periods of Persian Poetry (From Constitutionalism to the Fall of the Monarchy)*, Fifth Edition. Tehran: Sokhan Publications, pp: 15-15.

- Shamisa, Siroos (2014). [Author Unknown]. *Stylistics of Prose*. Tehran: Mitra, pp: 4-4.
- Safavi, Kourosh. (2004). *An Introduction to Semantics*. 2nd Edition. Tehran: Sureh Mehr, pp: 6-6.
- Omranpour, Mohammad Reza. (2009). "Aesthetic Aspects (Harmony) in Contemporary Poetry." *Journal of the Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman*, No. 2, Serial 22, pp. 159-187, pp: 16-16.
- Fotouhi, Mahmoud. (2012). *Stylistics: Theories, Approaches, and Methods*. Tehran: Sokhan, pp: 2-26.
- Fedayi, Vashki, and Mahnazari, Zohreh. (2022). "The Use of Linguistic Images (Lexical-Syntactic) in the Scroll of Sheikh Sherzin." *Linguistic and Rhetorical Studies Quarterly*, No. 27, pp. 211-238, pp: 6-6.
- Farshidvard, Khosrow. (2003). *Comprehensive Modern Grammar*. Tehran: Sokhan, pp: 24-24.
- Vahidian, Kamyar. (2015). *Grammar*. Tehran: Samt, pp: 19-23.
- Van Dijk, Teun A. (2007). [Author Unknown]. "Opinions and Ideologies in the Press." Translated by Zahra Haddad and Kosar Shahni. *Media*, Year 18, No. 4, pp. 85-118, pp: 2-2.
- Homāyī, J. (1371). *Fonūn-e balāghat va sanāyē'-e adabī*. Nashr-e Homā.

B) Articles:

- Baqi Nezhad, Abbas (2018). "Components of Meftun Amini's Poetry." *Journal of Persian Language and Literature (Faculty of Literature and Humanities, University of Tabriz)*, Vol. 71, No. 237.
- Dahim, Rababeh (2018). "Political Content Analysis in Two Poetry Collections: Kolak and Hidden Season by Meftun Amini." *Second International Conference on Persian Language and Literature (2018)*.
- Dahim, R. (1397). *Tahlil-e mohtava-ye siyasi dar do majmue-ye she'ri-ye Kolak va fasl-e penhan-e Maftun Amini*. Maqaleh-ye konfarans dar dovomin hamayesh-e beyn-ol-melali-ye zaban va adabiyat-e Farsi [Political content analysis in two poetry collections: Kolak and Hidden Season by Maftun Amini. Conference paper at the Second International Conference on Persian Language and Literature].
- Rahimi, M. (1351). *Cheguneh Mitavan Sher Sakht? [How to make poetry?]* (2018). *Jozveh-ye Sher*, (1), 7.
- Samadzadeh, Ali (2017). "Inquiry into the Implicit Expressions of Meftun Amini as One of the Stylistic Features." *Noor Specialized Journals Database*.
- Ali Abbas Abad, Yusuf (2023). "Images of Mysticism in the Poetry of Yadollah Amini." No. 77.

- Falahkhah, Farhad (2023). "Artistic Implicitness in the Poetry of Meftun Amini." *Studies in Melodic Language and Literature*, No. 47 (2018).
- Moradi Asl Barkousarayi, Masoumeh (2012). "A Stylistic Study of Selected Poems by Meftun Amini." Master's thesis, Ministry of Science, Research, and Technology (Allameh Tabatabaei Faculty, Department of Persian Language and Literature).
- Nikbakht, Syedeh Hamira (2014). "Examination of Imagery in the Poems of Meftun Amini." In *Proceedings of the Eighth International Conference of the Society for the Promotion of Persian Language and Literature of Iran*.
- Hematiyan, M., & Ghafoori, A. (1398). *Tahlil-e Balaghi-ye Huzehaye Tasviri-ye Sher-e Fazel Nazari* [Rhetorical analysis of visual domains in the poetry of Fazel Nazari]. *Founoon-e Adabi*, 11(4).
- Honarvar, Najibeh (2023). "Aesthetic Study of Maftun Amini." *Baharestan Sokhan Quarterly*, Vol. 20, No. 62.

فهرست منابع فارسی

الف) کتاب

- امینی، یدالله (۱۳۸۹)، از پرسه خیال در اطراف وقت سبز. چاپ اول. تهران: نشر امرو.
- ____، ____ (۱۳۸۶). اکتونهای دور. چاپ اول. تهران: نشر امرو.
- ____، ____ (۱۳۹۱). جشن واژه‌ها و حسها و حالها، چاپ اول. تهران: نشر امرو.
- ____، ____ (۱۳۸۳). عصرانه در باغ رصدخانه. چاپ اول. تهران: نشر نگاه.
- ____، ____ (۱۳۸۵). من و خزان و تو. چاپ اول، تهران: نشر امرو.
- انوری، حسن؛ احمدی‌گیوی، حسن. (۱۳۸۶). دستور زبان فارسی (۲). چاپ سوم. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی فاطمی.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۷۳). سبک‌شناسی. ج ۱. چاپ ۷. تهران: امیرکبیر.
- چیدلر، دانیل. (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا. چاپ ۳. تهران: سوره مهر.
- داد، سیما. (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات ادبی. واژه‌نامه‌ها. مفاهیم و اصطلاحات ادبی. فارسی و اروپایی. چاپ چهارم. تهران: مروارید.
- درپر، مریم. (۱۳۹۳). سبک‌شناسی لایه‌ای: توصیف و تبیین بافتمند سبک‌نامه شماره یک غزالی. ادب‌پژوهی. شماره ۲۷. صص ۱۱۵-۱۳۶.
- رجایی، محمدخلیل (۱۳۷۹). معالم‌البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، نشر دانشگاه شیراز.
- زرین‌کوب، حمید. (۱۳۵۸). چشم‌انداز شعر نو فارسی. تهران: انتشارات توس.
- سالک، امیرحسین و محمد امیرجلالی. (۱۴۰۰). سبک‌شناسی انتقادی نامه شاه تهماسب صفوی به سلطان سلیمان عثمانی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی. فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی. شماره ۲۶، ص ۱۹۷-۲۳۲.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: قصه.
- سلاجقه، پروین. (۱۳۸۷). امیرزاده کاشیها (نقد و شعر معاصر) احمد شاملو. چاپ ۲. تهران: انتشارات مروارید.

شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سقوط سلطنت). چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن.

_____، _____ (۱۳۸۷). ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سقوط سلطنت)، چاپ پنجم. تهران: انتشارات سخن. شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳). سبک‌شناسی نثر، تهران: میترا. صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). درآمدی بر معنی‌شناسی. چاپ دوم. تهران: سوره مهر. عمران‌پور، محمدرضا. (۱۳۸۸). جنبه‌های زیباشناختی (هماهنگی) در شعر معاصر. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهید باهنر کرمان. شماره ۲. پیاپی ۲۲، صص ۱۸۷-۱۵۹. فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها. تهران: سخن. فدایی، وشکی و ماه‌نظری، زهره. (۱۴۰۱). کاربرد تصویرهای زبانی (واژگانی- نحوی) در طومار شیخ شرزین، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی. شماره ۲۷، صص ۲۱۱-۲۳۸. فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). دستور مفصل امروز. تهران: سخن. وحیدیان، کامیار. (۱۳۹۴). دستور زبان. تهران: سمت. ون‌دایک، تئون ای (۱۳۸۶). نظرات و ایدئولوژی‌ها در مطبوعات. ترجمه زهرا حدّاد و کوثرشهنی. رسانه. سال ۱۸. شماره ۴، صص ۸۵-۱۱۸. همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۱). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما.

ب) مقاله

باقی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۷). مولفه‌های شعر مفتون امینی. نشریه زبان و ادب فارسی. «دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز»، دوره ۷۱، شماره ۲۳۷. داهیم، ربابه. (۱۳۹۷). بررسی مضامین اجتماعی در دو مجموعه کولاک و فصل پنهان مفتون امینی. «مقاله کنفرانس، دومین همایش بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی». _____، _____ (۱۳۹۷). تحلیل محتوای سیاسی در دو مجموعه شعری کولاک و فصل پنهان مفتون امینی. «مقاله کنفرانس، دومین همایش بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی». رحیمی، مصطفی. (۱۳۵۱). مقاله «چگونه می‌توان شعر ساخت». مجله جزوه شعر، شماره ۱، ص ۷. شقاقی، ویدا. (۱۳۷۹). فرآیند تکرار در زبان فارسی. در مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی. جلد اول. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. صص: ۵۱۹-۵۳۳. صمدزاده، علی. (۱۳۹۶). کنکاش در پوشیده‌گوییهای مفتون امینی به‌عنوان یکی از مختصات سبکی. پایگاه مجلات تخصصی نور، صص: ۱-۱۲. عالی‌عباس‌آباد، یوسف. (۱۴۰۲). نگاره‌های عرفان در شعر یدالله امینی. شماره ۷۷، صص: ۱۱۹-۱۳۴. فلاحت‌خواه، فرهاد. (۱۴۰۲). پوشیده‌گویی هنری در شعر مفتون امینی. مطالعات زبان و ادبیات غنایی، شماره ۴۷، صص: ۸-۲۲. مرادی‌اصل بارکوسرای، معصومه. (۱۳۹۱). بررسی سبک‌شناختی گزیده‌ای از اشعار مفتون امینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

نیک‌بخت، سیده حمیرا. (۱۳۹۳). بررسی تصویر در اشعار مفتون امینی. مقاله کنفرانس، مجموعه مقالات هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران.

همتیان، محبوبه و غفوری، افسانه (۱۳۹۸). «تحلیل بلاغی حوزه‌های تصویری شعر فاضل نظری». نشریه فنون ادبی. دوره ۱۱. شماره ۴.

هنرور، نجیبه. (۱۴۰۲). بررسی زیبایی‌شناختی مفتون امینی. فصلنامه بهارستان سخن، شماره ۶۲، دوره ۲۰، صص: ۷۴-۵۳.

عرفی نویسندگان

سلبی‌ناز رستمی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

(Email: salbinaz.rostami@iau.ir)

(ORCID: 0009-0004-0598-1626)

فرهاد کاکهرش: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

(Email: farhadkakerash@iau.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0009-0004-9332-2443)

شمسی‌علیاری: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

(Email: shamsialiyari404@iau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-6208-8066)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Salbinaz Rostami: Department of Persian Language and Literature, Mah.C., Islamic Azad University, Mahabad, Iran.

(Email: salbinaz.rostami@iau.ir)

(ORCID: 0009-0004-0598-1626)

Farhad Kakerash: Department of Persian Language and Literature, Mah.C., Islamic Azad University, Mahabad, Iran.

(Email: farhadkakerash@iau.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0009-0004-9332-2443)

Shamsi Aliyari: Department of Persian Language and Literature, Mah.C., Islamic Azad University, Mahabad, Iran.

(Email: shamsialiyari404@iau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-6208-8066)